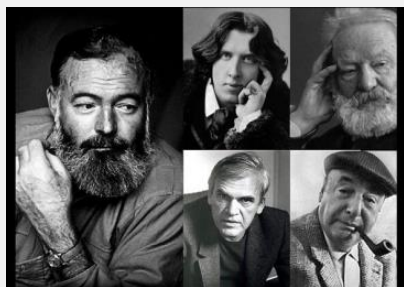


مهم‌ترین آثار نویسندگان ادبیات جهان در تبعید

برخی از مهم‌ترین آثار ادبیات جهان حاصل تخیل و ادراک نویسنده‌هایی است که یا شخصا زندگی در تبعید را انتخاب کردند و یا به اجبار دور از زادگاه‌شان دست به قلم بردند.



برخی از مهم‌ترین آثار ادبیات جهان حاصل تخیل و ادراک نویسنده‌هایی است که یا شخصا زندگی در تبعید را انتخاب کردند و یا به اجبار دور از زادگاه‌شان دست به قلم بردند.

به گزارش ایسنا، «میلان کوندرا» که نویسنده برخی از تحسین شده‌ترین آثار ادبیات داستانی قرن بیستم میلادی است، پس از ۴۰ سال زندگی در تبعید توانست مجدداً تابعیت سلب شده کشور زادگاهش، یعنی چک را به دست آورد. او در سال ۱۹۵۰ به دلیل فعالیت‌های سیاسی از حزب کمونیست اخراج و به چهره‌ای منفور نزد سیاستمداران آن روزگار بدل شد تا این که در سال ۱۹۷۵ از چک اسلواکی به فرانسه فرار کرد. در سال ۱۹۷۹ نیز دولت وقت چک اسلواکی تابعیت این نویسنده را لغو کرد.

«کوندرا» دو سال بعد از آن تابعیت فرانسوی گرفت و مهم‌ترین آثارش از جمله رمان معروف «سیکی تحمل ناپذیر هستی» را در همین دوران تبعید نوشت. این رمان موفق که در سال ۱۹۸۴ منتشر شد روایتگر داستان زندگی دو مرد، دو زن و یک سگ است و نگاهی هنری و روشنگرانه به زندگی جامعه چک از بهار پراگ در سال ۱۹۸۶ تا حمله شوروی به چک اسلواکی و عواقب پس از آن دارد. از این رمان به عنوان یکی از مهم‌ترین آثار ادبی نوشته شده در تبعید یاد می‌شود.

در پی این موضوع نگاهی داریم به برخی دیگر از آثار برجسته ادبیات جهان که توسط نویسندگانی نوشته شده که از زادگاه خود جدا افتادند.

«ارنست همینگوی» که به عنوان خبرنگار خارجی از سوی هفته‌نامه «تورنتو استار» به فرانسه رفته بود آن قدر مجذوب فرهنگ کشور میزبان شد که خود نیز بخشی از آن شد و در دوران این خود-تبعیدی توانست رمان معروف «خورشید همچنان می‌دمد» را در پاریس بنویسد. در بخش‌هایی از این رمان آمده است: «گوش کن رابرت، رفتن به کشور دیگر هیچ تفاوتی ایجاد نمی‌کند. من همه این‌ها را امتحان کرده‌ام و نمی‌توانی با تغییر مکان از جایی به جای دیگر از خودت فرار کنی و این هیچ فایده‌ای ندارد.» رمان «خورشید همچنان می‌دمد» یکی از پرفروش‌ترین و مهم‌ترین آثار این نویسنده برنده نوبل ادبیات است و داستان آن درباره گروهی از نویسندگان آمریکایی و انگلیسی تبعیدشده به فرانسه است که برای تماشای فستیوال گاوبازی پامپلونا به اسپانیا سفر می‌کنند.

«اسکار وایلد» شاعر و نمایش‌نامه‌نویس مطرح ایرلندی به سبب مسائل اخلاقی در دادگاهی در انگلستان محکوم شد و به زندان رفت، اما در سال ۱۸۹۷ بریتانیا را به عنوان یک فرد تبعیدی به مقصد فرانسه ترک کرد و نام مستعار «سیاستین ملموث» را برای خود برگزید. او در پاریس نمایشنامه «اهمیت جدی بودن» را بدون ذکر نامش منتشر کرد که روی جلد آن نوشته بود «از نویسنده نمایشنامه بادیزن خانم ویندیرمیر» (از دیگر آثار او). «اسکار وایلد» پس از این نمایشنامه تحسین شده اقرار کرد این نمایشنامه را بسیار دوست دارد و پرده اول آن را مبتکرانه، پرده دوم آن را زیبا و پرده سوم آن را به شکلی فریبنده‌ای هوشمندانه توصیف کرد و در ادامه این اثر به محبوب‌ترین نمایشنامه او تبدیل شد. «ویکتور هوگو» نویسنده و شاعر بزرگ ادبیات فرانسه در ابتدا به سبب مخالفت شدید با امپراتوری ناپلئون سوم از فرانسه و پس از آن از بلژیک و جزیره جرزی (در نزدیک ساحل نرماندی فرانسه که در کنترل بریتانیاست) اخراج شد. «هوگو» در نامه‌ای که در فاصله ۲۶ مایلی از زادگاهش نوشته آورده است: «تبعید نه تنها من را از فرانسه بلکه از این کره خاکی نیز جدا کرد». اما سرانجام در سال ۱۸۵۵ «ویکتور هوگو» در جزیره‌ای مجاور به نام «گرنزی» آزادی مورد نظر را یافت و این‌جا بود که مجدداً نگارش رمان ره‌اشده «بینوایان» را در کنار آثاری دیگر چون «رنجبران دریا» و چند جلد از کتاب شعر «تاملات» آغاز کرد. رمان «بینوایان» که در سال ۱۸۶۲ منتشر شده، تاکنون دستمایه ساخت فیلم‌ها، سریال‌ها و همچنین نمایش‌های موزیکال فراوانی شده است و از آثار برجسته ادبیات فرانسه و جهان محسوب می‌شود.

«دانته آلیگیری» شاعر نامدار ایتالیایی که یکی از شش حکمران شهر فلورانس ایتالیا بود در زمان قدرت خود چندین نفر از رقیبان خود را تبعید کرد، اما در نهایت خودش نیز در ژانویه ۱۳۰۲ میلادی به سبب حمایت از امپراتوری روم در مقابل پاپ برکنار شد و در صورتی که دوباره به شهر فلورانس باز می‌گشت مجازات او سوختن در آتش بود. او در طول ۲۰ سال سرگردانی در ایتالیا، توانست سه گانه شعر «کمدی الهی» را تکمیل کند و حتی بخش پایانی شعرهایش با نام «بهشت» را به مصیبت‌های زندگی در تبعید اختصاص داد. او هیچ‌گاه به فلورانس بازنگشت؛ حتی زمانی که مجازات مرگ برای او به حصر خانگی کاهش یافت. سرانجام شهر فلورانس در سال ۲۰۰۸ میلادی سابقه کفبری او را پاک کرد؛ کاری که البته ۷۰۰ سال دیر انجام شد.

«پابلو نردوا» به سبب آن که دیدگاه‌های مارکسیستی‌اش چندان در شیلی طرفدار نداشت در یک خود-تبعیدی به مکزیک رفت و در طول سه سالی که در این کشور بود مجموعه شعر «سروده‌های همگانی» را در ۱۵ هزار سطر سرود

و در آن به مرور تاریخ آمریکای لاتین پرداخت. «نرودا» به شیلی بازگشت و در سال ۱۹۷۱ برنده جایزه نوبل ادبیات شد، اما دو سال بعد و در جریان کودتای ۱۹۷۳ دوباره ناگزیر به خروج از زادگاهش شد و سفیران مکزیک و سوئد به او پیشنهاد زندگی در این کشورها را دادند. زمانی که نیروهای نظامی «آگوستو پینوشه» مشغول جست و جوی محل سکونت او بودند، «نرودا» به طعنه گفت: تنها یک چیز این جا برای شما خطرناک است و آن «شعر» است.